

سوءظن شاه به امینی

۸ مرداد ۱۴۰۴ ساعت ۲۲:۲۸

شاه عمیقاً به علی امینی سوءظن داشت و او را عامل آمریکا برای محدود کردن قدرت مطلقه خود می‌دانست. از دیدگاه شاه، امینی و اصلاحاتش تهدیدی مستقیم برای جایگاه او به عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی در کشور بودند و او این وضعیت را برنمی‌تافت.

این سوءظن عمیق، ریشه تمام کارشکنی‌های دربار علیه دولت امینی بود. شاه که به تازگی طعم قدرت مطلق را چشیده بود، حاضر نبود آن را با هیچ نخست‌وزیر قدرتمندی تقسیم کند، حتی اگر آن نخست‌وزیر مورد حمایت قوی‌ترین متحد خارجی‌اش یعنی آمریکا باشد:

«شاه در این دوره به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد به این نتیجه رسیده بود که تنها فردی که می‌تواند کشور را اداره کند و در برابر بحرانهای سیاسی و اقتصادی مقاوم سازد، خود اوست. در چنین صورتی دیگر نیازی به نخست‌وزیر مقتدر وجود نداشت. از دید وی نخست‌وزیر خوب کسی بود که مجری اوامر او باشد. در چنین صورتی بود که امینی روی کار آمد و از همان آغاز کار شاه نسبت به وی ظنین بود. از نظر شاه امینی فردی بود که آمریکایی‌ها او را به قدرت رسانده بودند تا قدرت مطلقه شاه را محدود سازند، لیکن شاه برای این کار آمادگی نداشت. از این دیدگاه بود که شاه در برابر کلیه اقدامات امینی کارشکنی می‌کرد. امینی به این نتیجه رسیده بود که برای اداره کشور باید قدرت در دست نخست‌وزیر باشد، در حالی که شاه قدرت را از آن خود می‌دانست. امینی معتقد بود که باید در کشور قانون حکومت کند، حال آنکه شاه خود را مافوق قانون می‌دانست و حاضر نبود در برابر هیچ قدرتی سر تسلیم فرود آورد. از نظر امینی راه نجات کشور اجرای اصلاحات ارضی و محدود ساختن قدرت هزار فامیل بود، اما شاه در برابر این اصلاحات مقاومت می‌کرد.»

منبع: حسین آبادیان، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۳. ص ۲۰۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۵۰۱۵۸/شاه-سوءظن-امینی>